



بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی - 20 / اسفند / 1392

بسم الله الرحمن الرحيم

خوشامد عرض میکنم به همهی برادران و خواهران عزیز و تشکر میکنم که این دعوت را اجابت کردید و در این جلسه حضور پیدا کردید تا ان شاء الله با آنچه در این فضای همدلی مطرح میشود، کاری در جهت پیشرفت کشور و گامی در راه رسیدن به آرمانهای بلند کشور انجام بشود و برداشته بشود.

هدف از اینکه به شما برادران و خواهران زحمت دادیم که اینجا تشریف بیاورید، این است که درباره‌ی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی که اخیراً ابلاغ شد و اعلام شد، (۱) قدری صحبت بشود که هم تا حدودی تبیین و هم تأکید [شود] بر آنچه لازمه‌ی این سیاستها است و وظایفی که این سیاستهای مهم و اساسی بردوش همهی ما میگذارد. قبلاً سیاستهای گوناگونی در زمینه‌های اقتصادی ابلاغ شده است؛ مثل سیاست انرژی، سیاست تولید ملی، سیاست اصل ۴۴، سیاست امنیت سرمایه‌گذاری، سیاستهای آب و غیره؛ در آن سیاستها آنچه کانون توجه در هر بخشی بوده است، ارائه‌ی نقشه‌ی راه بوده؛ یعنی خواستیم مثلاً در زمینه‌ی تولید ملی یا مسئله‌ی آب یا مسئله‌ی انرژی و امثال اینها نقشه‌ی راهی ارائه بشود که براساس آن، مسئولان، کار خودشان را پیش ببرند. [اما] در این سیاستها تنها مسئله‌ی نقشه‌ی راه نیست، بلکه در اینجا شاخصهای درست پیمودن راه هم مطرح شده؛ درست مثل علائم راهنمایی و رانندگی. در بندهای مختلف این سیاستها وظایفی تعیین شده است که در واقع این وظایف تضمین‌کننده‌ی درستی حرکت در این راه است؛ یعنی این سیاستها که فراگیر و عمومی و کلی است، در هر بخشی شاخصه‌هایی را مشخص کرده است که در مطالعه‌ی بندهای سیاستها، کارهایی که باید انجام بگیرد، مشخص است. مجموعه‌ی سیاستهای اقتصاد مقاومتی در واقع یک الگوی بومی و علمی است که برآمده‌ی از فرهنگ انقلابی و اسلامی ما است؛ متناسب با وضعیت امروز و فردای ما است. من شرح خواهم داد که این مربوط به وضع کنونی و شرایط کنونی کشور نیست، این یک تدبیر بلندمدت برای اقتصاد کشور است؛ میتواند اهداف نظام جمهوری اسلامی را در زمینه‌ی مسائل اقتصادی برآورده کند؛ میتواند مشکلات را برطرف کند؛ در عین حال پویا هم هست؛ یعنی ما این سیاستها را به صورت یک چهارچوب بسته و متحجر ندیده‌ایم، قابل تکمیل است، قابل انطباق با شرایط گوناگونی است که ممکن است در هر برهه‌ای از زمان پیش بیاید؛ و عملاً اقتصاد کشور را به حالت "انعطاف‌پذیری" میرساند؛ یعنی شکنندگی اقتصاد را در مقابل تکانه‌های گوناگون - که اشاره خواهم کرد - برطرف میکند. این الگو با تلاش و همفکری افراد صاحب‌نظر و با بحث در مجمع تشخیص مصلحت و حضور رؤسای قوا و مسئولان تهیه شده؛ از کمک صاحب‌نظران اقتصادی برای تهیه‌ی این الگو به‌طور کامل استفاده شده؛ در واقع یکی از محسنات این الگو این است که مورد وفاق است؛ یعنی در مجمع تشخیص ورز پیدا کرده است و چکش کاری شده، جوانب آن دیده شده؛ رؤسای قوا در مجمع تشخیص حضور دارند، مسئولان گوناگون هم در آنجا هستند، بحث کردند؛ کار ملاحظه شده و دقت شده و مستحکم شده‌ای است.

گرایش به اقتصاد مقاومتی مخصوص ما هم نیست؛ امروز در بسیاری از کشورها - بخصوص در این سالهای اخیر - با تکانه‌های شدید اقتصادی که در دنیا به‌وجود آمد، کشورهای متعددی به دنبال مقاوم‌سازی اقتصاد خودشان برآمدند؛ البته هر کشوری شرایط خاص خودش را دارد. این اقتصاد سرمایه‌داری با مشکلاتی که ناشی از این اقتصاد بود، از غرب و از آمریکا سرریز شد به بسیاری از کشورها؛ و اقتصاد جهانی در مجموع، یک کل مرتبط به یکدیگر است، طبعاً کشورها از این مشکلات کم‌وبیش متأثر شدند؛ بعضی بیشتر، بعضی کمتر. بنابراین خیلی از کشورها در صدد برآمدند که اقتصاد خودشان را مقاوم‌سازی کنند؛ به تعبیری همین اقتصاد مقاومتی را به شکل متناسب با کشورهایشان برنامه‌ریزی کنند، تحقق ببخشند. به نظر من احتیاج ما به اقتصاد مقاومتی بیش از کشورهای دیگر



است؛ ما بیشتر احتیاج داریم که اقتصاد خودمان را مقاوم سازی کنیم. اولاً به همان دلیل مشترک بین ما و دیگر کشورها؛ ما با اقتصاد جهانی مرتبطیم، بنای بر همین ارتباط هم داریم، ما قصد جدا شدن و مُنعزل (۲) شدن از اقتصاد جهانی را به هیچ وجه نداریم و در شرایط کنونی دنیا نمیتوان هم داشت؛ بنابراین متأثر میشویم از آنچه در دنیا در اقتصادهای جهانی اتفاق می افتد. ثانیاً خصوصیتی است که ما داریم؛ ما به خاطر استقلالمان، به خاطر عزت مداری مان، به خاطر اصرارمان بر تحت تأثیر سیاستهای قدرتها قرار نگرفتن، مورد تهاجم و سوء نیت هم قرار داریم؛ یعنی نسبت به ما - همچنان که در شرایط کنونی مشاهده میکنید - انگیزه های مخالفت و اخلاصگری و اشکال تراشی و ایجاد مشکل، بیش از بسیاری از کشورهای دیگر است. بنابراین ما بیشتر بایستی اهتمام بورزیم به اینکه پایه های اقتصاد را محکم کنیم و اقتصادمان را مقاوم سازی کنیم؛ نگذاریم وضعیتی وجود داشته باشد که یا حوادث و تکانه های ناگزیر و یا سوءنیتها بتواند در اقتصاد ما اثر بگذارد. بنابراین ما به این نیاز داریم. من یک فهرست اجمالی از مؤلفه ها و ویژگی های الگوی اقتصاد مقاومتی را مطرح میکنم. من در سه بخش، عرایضم را تقسیم کرده ام: یکی فهرست این مؤلفه ها است؛ بعد چند نکته برای اینکه ما چرا اقتصاد مقاومتی را امروز یک ضرورت میدانیم و دنبال میکنیم؛ و در بخش سوم هم الزاماتی که بایستی به آنها پایبند باشیم. در این بخش [اول] من ده ویژگی را یادداشت کرده ام که به شما عرض میکنم که اینها ویژگی های این سیاستهای اقتصاد مقاومتی است که مطرح شده و در واقع مؤلفه های این مجموعه است. یکی مسئله ای ایجاد تحرک و پویایی در اقتصاد کشور و بهبود شاخصهای کلان است؛ از قبیل رشد اقتصادی، از قبیل تولید ملی، از قبیل اشتغال، کاهش تورم، افزایش بهره وری، رفاه عمومی. در تأمین این سیاستها، تحرکی در اقتصاد کشور و بهبودی در این شاخصها در نظر گرفته شده؛ و از همه ای این شاخصها مهم تر، شاخص کلیدی و مهم عدالت اجتماعی است. یعنی ما رونق اقتصادی کشور را بدون تأمین عدالت اجتماعی به هیچ وجه قبول نداریم و معتقد به آن نیستیم. کشورهایی هستند که شاخصهایشان خیلی خوب است، مطلوب است، رشد اقتصادی شان خیلی بالا است؛ لکن تبعیض، اختلاف طبقاتی، نبود عدالت در آن کشورها محسوس است؛ ما این را به هیچ وجه منطبق با خواست اسلام و اهداف جمهوری اسلامی نمیدانیم. بنابراین یکی از مهم ترین شاخصهای ما، شاخص عدالت اجتماعی است. باید طبقات محروم از پیشرفت اقتصادی کشور به معنای واقعی کلمه بهره مند بشوند. این مؤلفه ای اول.

دوم، توانایی مقاومت در برابر عوامل تهدیدزا است که در این سیاستها دیده شده و مورد ملاحظه قرار گرفته. همان طور که عرض کردم برخی از عوارض مؤثر بر اقتصاد کشورها تکانه های اقتصادی دنیا است که پیش می آید؛ مثل همان چیزی که در این سالها پیش آمد و در برهه های دیگری پیش آمده که این تأثیر میگذارد بر روی کشورها. من یک وقتی گفتم، رئیس یکی از کشورهای آسیای جنوب شرقی آمد و با من ملاقات کرد؛ (۳) در آن دوره ای که در این منطقه آن شکست عجیب به وجود آمد؛ حرف او به من این بود، گفت شما فقط بدانید، ما در یک شب از یک کشور غنی تبدیل شدیم به یک کشور فقیر! یعنی اقتصاد غیر مقاوم این جوری است. پس یک عامل برای تأثیرگذاری بر روی اقتصادها همین تکانه های گوناگون اقتصادی دنیا است که سرریز میشود به کشورها، یک عامل بلاهای طبیعی است که پیش می آید، و یک عامل هم تکانه های تخصصی است؛ مثل تحریمها و امثال تحریمها. فرض بفرمایید که در مراکز تصمیم گیری، تصمیم گیری بشود روی قیمت نفت، یک وقت قیمت نفت را من باب مثال بیاورند به شش دلار، کما اینکه برای ما اتفاق افتاد؛ خیلی از اینها عادی نیست؛ اینها کارهای پیش بینی شده و مؤثر و به دنبال تصمیم گیری های مشخصی است که از مراکز دنبال میشود. بنابراین مؤلفه ای دوم، توانایی مقاومت در برابر عوامل تهدیدزا است؛ به همین شرحی که عرض شد.

[نکته ای] سوم، تکیه بر ظرفیتهای داخلی است که در این سیاستها دیده شده؛ من بعد راجع به این ظرفیتهای داخلی، باز مختصری توضیح خواهم داد: چه ظرفیتهای علمی، چه انسانی، چه طبیعی، چه مالی، چه جغرافیایی و اقلیمی. ما



ظرفیتهای مهمی داریم؛ یعنی در این سیاستهای اقتصاد مقاومتی تکیه‌ی اصلی بر روی ظرفیتهای داخلی است، که بسیار هم گسترده است. نه به این معنا که ما چشممان را به روی امکانات بیرون کشور میبندیم؛ نه، حتماً استفاده میکنیم - استفاده‌ی حداکثری هم میکنیم - منتها نگاه ما، تکیه‌ی ما، اعتماد ما بیشتر بر روی مسائل داخلی است؛ تمرکز ما روی امکانات داخلی کشور و داشته‌های درونی کشور است.

نکته‌ی چهارم، رویکرد جهادی است که در این سیاستها مورد ملاحظه قرار گرفته؛ همت جهادی، مدیریت جهادی. با حرکت عادی نمیشود پیش رفت؛ با حرکت عادی و احياناً خواب‌آلوده و بی‌حساسیت نمیشود کارهای بزرگ را انجام داد؛ یک همت جهادی لازم است، تحرک جهادی و مدیریت جهادی برای این کارها لازم است. باید حرکتی که میشود، هم علمی باشد، هم پر قدرت باشد، هم با برنامه باشد، و هم مجاهدانه باشد. من در جلسه‌ای که با رؤسای محترم سه قوه برای همین مسئله در هفته‌های گذشته داشتیم، (۴) مطرح کردم. خوشبختانه آقای رئیس‌جمهور با قاطعیت به من گفتند که آن کسانی که در دولت مسئول پیگیری این کارها هستند، تصمیمشان بر همین حرکت جدی و مجاهدانه است؛ خب، این خیلی خوب است؛ یعنی این لازم است، بدون این نمیشود پیش رفت.

نکته‌ی پنجم، مردم‌محوری است که در این سیاستها ملاحظه شده. تجربه هم به ما نشان میدهد، بیانات و معارف اسلامی هم تأکید میکند که هر جا مردم می‌آیند دست خدا هم هست. *يَدُ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ*؛ (۵) هر جا مردم هستند، عنایت الهی و کمک الهی و پشتیبانی الهی هم هست؛ نشانه و نمونه‌ی آن، دفاع هشت‌ساله، نمونه‌ی آن خود انقلاب، و نمونه‌ی آن گذر از گردنه‌های دشوار این ۳۵ سال [است] چون مردم در میدان بودند، کارها پیش رفته؛ ما در زمینه‌ی اقتصادی به این کمتر بها دادیم. سیاستهای اصل ۴۴ را که ما تصویب کردیم و ابلاغ کردیم، برای همین بود؛ البته حق آن چنان که باید و شاید ادا نشد. من در همین جا همان سالها، در جلسه‌ی با مسئولین راجع به سیاستهای اصل ۴۴ صحبت کردم؛ (۶) مورد تصدیق همه بود؛ در عمل هم کارهایی انجام گرفت که بایستی شکرگزار بود، لکن آنچنان که حق آن سیاستها بود عمل نشد. ما بایست به مردم تکیه کنیم، بها بدهیم؛ مردم با امکاناتشان باید بیایند در وسط میدان اقتصادی؛ فعالان، کارآفرینان، مبتکران، صاحبان مهارت، صاحبان سرمایه، نیروهای متراکم و بی‌پایانی که در این کشور وجود دارد، که واقعاً این نیروها هم بی‌شمارند. بنده سالهای متمادی است که سروکار دارم با قشرهای مختلف مردم؛ در عین حال گاهی یک چیزهایی برای ما آشکار میشود که من میبینم از اینها هم غافل بودیم. این قدر عناصر آماده‌ی به کار، یا دارای مهارت، یا دارای ابتکار، یا دارای دانش، یا دارای سرمایه در کشور هستند که اینها تشنه‌ی کارند؛ دولت بایستی برای حضور اینها زمینه‌سازی کند، اینها را راهنمایی کند که کجاها میتوانند توان خودشان را به کار ببندند، از آنها حمایت بکند؛ مسئولیت عمده‌ی دولت این است. حالا فعالیت اقتصادی دولت در یک بخشهای ناگزیری، قهراً وجود خواهد داشت؛ لکن باید فعالیت اقتصادی به مردم داده بشود؛ که در این سیاستها مورد ملاحظه قرار گرفت.

مسئله‌ی ششم امنیت اقلام راهبردی و اساسی است؛ در درجه‌ی اول غذا و دارو. باید تولید داخلی کشور طوری شکل بگیرد که کشور در هیچ شرایطی، در زمینه‌ی تغذیه و در زمینه‌ی دارو دچار مشکل نشود؛ این یکی از مؤلفه‌های اساسی در این سیاستهایی است که ابلاغ شده. باید خودکفا باشیم، بایستی زمینه‌های کاملاً کفایت‌کننده مورد توجه قرار بگیرد.

نکته‌ی هفتم، کاهش وابستگی به نفت است؛ یکی از سخت‌ترین آسیبهای اقتصادی ما همین وابستگی به نفت است. این نعمت بزرگ خدادادی برای کشور ما در طول ده‌ها سال مایه‌ی فروریختگی‌های اقتصادی و فروریختگی‌های سیاسی و اجتماعی شد؛ باید ما یک فکر اساسی بکنیم. ما نمیگوییم از نفت استفاده نشود، [بلکه] تکیه‌ی ما بر استفاده‌ی حداقلی از فروش نفت خام است؛ نفت را میتوان به‌صورت فرآورده در اختیار گذاشت؛ که در این سیاستها دیده شده. یک کار اساسی و مهمی که باید انجام بگیرد این است؛ این همت بلندی لازم دارد که ما در بند



سیزده این سیاستها به این پرداختیم و جدا باید این بند عملیاتی بشود. موضوع هشتم، مسئله‌ی اصلاح الگوی مصرف است؛ مسئله‌ی صرفه‌جویی، پرهیز از ریخت‌وپاش، پرهیز از اسراف، پرهیز از هزینه‌کردهای زائد. البته در این زمینه خطاب اول من متوجه به مسئولان است؛ مسئولان نه فقط در زندگی‌های شخصی خودشان - که حالا آن یک مسئله‌ی درجه‌ی دو است - [بلکه] در درجه‌ی اول و در حوزه‌ی مأموریت خودشان باید بجد از ریخت‌وپاش پرهیز کنند. اگر چنانچه این شد یعنی ما مسئولین کشور به این اصل پایبند بودیم، آن وقت این روحیه، این خصلت، این اخلاق، سرریز خواهد شد به مردم. ما امروز در بین مردم و کسانی که دستشان به دهانشان میرسد هم اسراف زیاد می‌بینیم، در خیلی از موارد اسراف وجود دارد؛ خطاب هم می‌کنیم به مردم، لکن این از جمله‌ی جاهایی است که «کونوا دُعاة الناس بغير السیتکم» (۷) مجموعه‌ی مسئولین کشور بایستی در شئون مجموعه‌ی تحت مدیریت خودشان به این توجه کنند: اسراف نباشد؛ الگوی مصرف، یک الگوی حقیقتاً عاقلانه، مدبرانه، اسلامی باشد. ما به مردم نمی‌گوییم که ریاضت بکشند؛ این جور گاهی بعضی القا میکنند. بعد از آنکه سیاستهای اقتصاد مقاومتی ابلاغ شد، هنوز مرکب آن خشک نشده، یک عده‌ای شروع کردند که «اینها دارند مردم را به ریاضت دعوت میکنند»؛ نه، به هیچ‌وجه این جور نیست، بلکه بعکس است؛ ما معتقدیم که اگر این سیاستها اعمال بشود، وضع مردم بهتر خواهد شد، طبقات ضعیف‌گشایش پیدا خواهند کرد. در کشوری که تورم در حد مطلوب باشد، اشتغال در حد مطلوب باشد، آنجا عموم مردم در راحتی و آسایش و رفاه زندگی خواهند کرد. ما به هیچ‌وجه به مردم نمی‌گوییم ریاضت [بکشند] ما می‌گوییم ریخت‌وپاش نباشد؛ مصرف کردن یک حرف است، بد مصرف کردن یک حرف دیگر است.

من چند سال قبل از این در سخنرانی اول سال، به تفصیل درباره‌ی این صحبت کردم. (۸) ما مسئولین باید این را وجهه‌ی همت خودمان قرار بدهیم؛ اسراف در آب، اسراف در نان، اسراف در مواد غذایی، اسراف در دارو، اسراف در وسایل زندگی، اسراف در وسایل تجمل و آرایش و مانند اینها، بخش مهمی از منابع زنده‌ی کشور را هدر میدهد؛ این هم یکی از چیزهایی است که بایستی مورد ملاحظه قرار بگیرد؛ مصرف خوب و درست، غیر از اسراف کردن و دور ریختن و ریخت‌وپاش کردن است.

نکته‌ی نهم، فسادستیزی است؛ ما اگر می‌خواهیم مردم در صحنه‌ی اقتصاد باشند، باید صحنه‌ی اقتصادی امنیت داشته باشد؛ اگر امنیت را می‌خواهیم، بایستی دست مفسد و سوءاستفاده‌چی و دورزننده‌ی قانون و شکننده‌ی قانون بسته بشود؛ مبارزه‌ی با فساد این است؛ این باید جدی گرفته بشود؛ امروز خوشبختانه مسئولین این را می‌گویند، لکن گفتن کافی نیست. همه‌ی مسئولین - چه مسئولین اجرائی، چه مسئولین قضائی و چه مسئولین قوه‌ی مقننه - در این جهت مسئولند. اگر چنانچه وضع اجتماع، وضع اقتصادی کشور مثل یک خانه‌ی بی درودروازه‌ای بود که هر که خواست آمد، هر جور خواست عمل کرد، هر چه خواست برد، خورد، خب معلوم است، انسان نجیب شایسته‌ی متینی که می‌خواهد از راه حلال ارتزاق کند، طبعاً جلو نمی‌آید. شفاف‌سازی، شرط اصلی این فسادستیزی است؛ باید شفاف‌سازی بشود، باید فضای رقابتی به وجود بیاید، باید فضای با ثبات به وجود بیاید؛ فعال اقتصادی در این شرایط خواهد آمد و احساس امنیت خواهد کرد. آن وقت در یک چنین فضایی آن کسی که با ابتکار خود یا سرمایه‌ی خود یا کارآفرینی خود ثروتی به دست می‌آورد، نظام اسلامی از او حمایت میکند و تأیید میکند. اگر چنانچه فضا فضای سالمی شد، [آن وقت] کسب ثروت و کسب درآمد یک چیز مباح و مورد تأیید و مورد حمایت نظام است. این هم نکته‌ی نهم.

و نکته‌ی دهم از مؤلفه‌های سیاستهای مقاومتی، مسئله‌ی دانش‌محوری است که این هم یک مشخصه‌ی بسیار مهمی است. خوشبختانه وضع علمی امروز کشور این اجازه را به ما میدهد که این بلندپروازی را داشته باشیم که بخواهیم اقتصادمان را اقتصاد دانش‌بنیان کنیم؛ که من بعداً باز یک اشاره‌ای به این خواهم کرد. ما دانشمند و



متخصص و شرکتهای دانش بنیان و افراد مبتکر در کشور زیاد داریم؛ و این جزو مهم‌ترین زیرساخت‌های اقتصادی است در هر کشور؛ یعنی مهم‌ترین زیرساخت اقتصادی برای یک کشور، وجود نیروهای انسانی است. اگر چنانچه ما به این نکته که نکته‌ی دهم بود توجه کنیم، طبعاً چرخه‌ی علم تا ثروت - مخصوصاً در بخشهایی که دارای مزیت هستند - به راه خواهد افتاد و امتداد پیدا خواهد کرد؛ و این در اقتصاد مقاومتی ان شاء الله روی میدهد. اینها مهم‌ترین مشخصه‌هایی است که در این سیاستها مورد توجه بوده؛ مطالب دیگری هم البته هست که در متن سیاستها وجود دارد؛ مهم‌ترین آنها این ده نکته بود که من عرض کردم.

خب، سؤال این است که آیا مطرح کردن اقتصاد مقاومتی در شرایط کنونی، به معنای این است که ما یک حرکت مقطعی می‌خواهیم انجام بدهیم؟ چون حالا کشور دچار تحریم و دچار فشار و دچار جنگ اقتصادی است، همچنان که مثلاً هیئت‌های فکر و عمل برای مقابله‌ی با جنگ اقتصادی تشکیل میشود، این سیاستها را برای این ابلاغ کرده‌ایم؟ جواب این است که نه، به‌هیچ‌وجه این‌جوری نیست؛ این سیاستها سیاستهای بلندمدت است؛ برای امروز هم مفید است، برای دورانی که هیچ تحریمی هم ما نداشته باشیم مفید است؛ یعنی سیاستهای بلندمدتی است که بنای اقتصاد کشور بر اینها گذاشته میشود؛ تدبیر مقطعی نیست، این یک تدبیر بلندمدت است، یک سیاست راهبردی است. طبعاً کشوری مثل کشور ما - کشور ما کشور بزرگی است، کشور ریشه‌داری است، کشور دارای موقعیت ممتازی است، امروز در دنیا کشور بسیار آبرومندی است، دارای فرهنگ مترقی است، دارای سابقه‌ی درخشان و مترقی است، دارای هدفهای بلندی است، حرف نویی مطرح کرده، کشوری با این خصوصیات - نیاز دارد به اینکه اقتصاد آن با همان خصوصیتی باشد که در سیاستهای اقتصاد مقاومتی مورد ملاحظه قرار گرفته. عرض کردیم این سیاستها سیاستهای متحجری نیست، بسته نیست که اگر چنانچه یک فکر جدید، یک طرح جدید، راه نویی در دنیا به وجود آمد، نتواند آن را در خودش هضم کند، به‌هیچ‌وجه این‌جور نیست؛ قابل انعطاف است، میتواند تکمیل بشود، میتواند توسعه پیدا کند، لکن خط مستقیم آن تغییر پیدا نخواهد کرد.

در متنی که ما ابلاغ کردیم، در مقدمه این سیاستها چهار نکته‌ی اصلی را به‌عنوان انگیزه و عامل تهیه‌ی این سیاستها ذکر کردیم، این چهار نکته را من اینجا تکرار میکنم: یکی اشاره‌ی به ظرفیتهای فراوان مادی و معنوی کشور بود؛ در مقدمه‌ی ابلاغ شده‌ی در این سیاستها به این اشاره کردیم، این بسیار مسئله‌ی مهمی است، ظرفیتهای کشور خیلی وسیع است؛ خیلی از ماها آگاه نیستیم به گستره‌ی این ظرفیتهای عجیب، یا به اهمیت آن توجه نداریم؛ میدانیم، آمارها دستمان هم هست [توجه نمیکنیم]. بعضی از مسئولین این‌جورند، آمارها را دارند، [اما] اهمیت آمارها مورد توجه آنها قرار نمیگیرد؛ حالا از باب مثال نیروی انسانی که من قبلاً هم یک اشاره‌ای کردم. ما الان از لحاظ نیروی انسانی و از جهت دارا بودن نیروی جوان در بهترین وضعیتیم؛ یعنی الان بیش از ۳۱ درصد جمعیت ما بین پانزده سال تا بیست‌ونهم سال سن دارند؛ این وضعیت عالی است، فوق‌العاده است. البته اگر آنچه من مکرر توصیه کردم در مورد نسل، مورد توجه قرار نگیرد، این امتیاز را در آینده‌ای نه‌چندان دور از دست خواهیم داد؛ سیاستهای نسل هم ان شاء الله ابلاغ خواهد شد، آنها هم در دست تهیه است. فعلاً این‌جوری است وضع ما: بیش از ۳۱ درصد جوان داریم؛ ۲۵ برابر اول انقلاب دانشجو داریم - جمعیت کشور از اول انقلاب تا حالا دو برابر شده، جمعیت دانشجو ۲۵ برابر شده؛ یعنی ما از صدوبیست‌هزار رسیده‌ایم به چهارمیلیون و صد هزار؛ این چیز مهمی است، خیلی حادثه‌ی عظیمی است؛ هم این رشد مهم است، هم این دارایی‌ای که فعلاً داریم مهم است - ده میلیون دانش‌آموخته‌ی دانشگاه‌ها داریم؛ شصت و پنج هزار عضو هیئت علمی داریم که بیش از ده برابر آن چیزی است که در اول انقلاب وجود داشت؛ پنج هزار شرکت دانش بنیان داریم که الان هفده هزار متخصص و فعال در این شرکتهای مشغول کارند، ببینید این ظرفیتهای چقدر مهم است؛ نتیجه این شده که طبق گزارش پایگاه‌هایی که رتبه‌ی علمی کشورها را مشخص میکنند، ما در رتبه‌ی پانزدهم دنیا هستیم - در یک پایگاه رتبه‌ی شانزدهم، در یک پایگاه رتبه‌ی

پانزدهم، در این حدود - که اینها البته مال سال میلادی گذشته [یعنی سال] ۲۰۱۳ است. این چیز مهمی است. ما در بعضی از رشته‌های علمی، رتبه‌مان از این بالاتر است؛ در بعضی از رشته‌های علمی جزو هفت هشت کشور [اول] دنیا و در بعضی جاها جزو چهار پنج کشور اول دنیا قرار داریم. این آن زیرساخت اساسی است: نیروی انسانی. یک ظرفیت دیگر سرمایه‌های معدنی است. رتبه‌ی اول نفت و گاز [هستیم] که سال گذشته بنده اول سال گفتم، (۹) ما در مجموع دارایی نفت و گاز زیر زمین، در دنیا اولیم؛ در گاز دوم، در نفت هم دوم یا سوم؛ اخیراً آقای رئیس‌جمهور یک گزارشی به من دادند که در خصوص گاز اولیم، در قطعاً نفت دومیم، این خیلی چیز مهمی است؛ هیچ کشوری در دنیا به قدر ایران ما نفت و گاز ندارد. نفت و گاز رگ حیاتی امروز دنیا است، لااقل امروز این جور است، تا سالها هم این جور خواهد بود؛ حالا کی بشریت از نفت و گاز خلاص بشود، بی‌نیاز بشود، معلوم نیست. این ماده‌ی حیاتی و اصلی، در کشور شما از همه‌ی دنیا بیشتر است؛ این ظرفیت کمی است؟ این چیز کوچکی است؟ حالا این نفت و گاز بود، سرمایه‌های معدنی دیگر [هم همین جور]: معادن طلا، معادن سیمان، معادن فلزهای کمیاب و فلزهای ارزشمند. گزارشهایی که به ما میرسد خیلی گزارشهای تکان‌دهنده‌ای است در برخی از بخشها؛ این ظرفیتهای معدنی کشور است. ظرفیتهای صنعتی و معدنی، متنوع است و انبوه. رتبه‌ی هفده در اقتصادهای جهان - که این جزو آمارها و گزارشهای بین‌المللی است - با حدود هزار میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی. سرمایه‌های زیربنایی [مثل] راه و سد؛ امروز بیش از ششصد سد در کشور در اندازه‌های مختلف وجود دارد؛ انقلاب اسلامی این کشور را در وضعیتی تحویل گرفت که حدود ده پانزده سد در سرتاسر کشور بود؛ امروز ششصد و اندی سد در کشور هست؛ در اندازه‌های بزرگ و کوچک؛ بعضی از آنها بسیار مهم و بزرگ [است]. مسئله‌ی راه هم همین جور، آمارهای راه هم آمارهای خوبی است. ظرفیت و مزیت جغرافیایی؛ دسترسی به آبهای آزاد، موقعیت چهارراهی شمال و جنوب و شرق و غرب که مسئله‌ی ترانزیت را - که مسئله‌ی بسیار مهمی است - برای ما توضیح میدهد. تنوع اقلیمی، ظرفیت انرژی‌های پاک [مثل] انرژی آب و خورشید، انرژی هسته‌ای. این ظرفیتهای در کشور وجود دارد. بنابراین این نکته‌ی اول از نکاتی که ما را برمی‌انگیزد که به دنبال یک مدلی و یک الگویی از اقتصاد باشیم که اسم آن اقتصاد مقاومتی است.

نکته‌ی دوم، مشکلاتی است که داریم - مشکلات مزمن، مشکلات دیرپا - که اینها جز با یک حرکت اقتصادی جمعی مهم، امکان ندارد برطرف بشود؛ یکی از آنها وابستگی به نفت است که عرض کردیم، یکی از آنها عادت به واردات است - آن هم واردات بدون اولویت؛ عادت است که متأسفانه دچار آن هستیم و این عادت را هم نتوانستیم کنار بگذاریم؛ نگاهمان به تولید خارجی است - تورم مزمن، بیکاری، معیوب بودن برخی از ساختارهای اقتصادی ما، اشکال در نظامات مالی ما - نظامات پولی ما، نظامات بانکی ما، نظامات گمرکی ما - اشکال در الگوی مصرف، اشکال در مسئله‌ی تولید، اشکال در بهره‌وری؛ اینها مشکلات موجود کشور است، باید با اینها مقابله کرد. یکی از چیزهایی که هر انسان دلسوزی را و هر مسئول با همتی را برمی‌انگیزد که کاری و حرکتی از قبیل اقتصاد مقاومتی انجام بدهد، وجود همین مشکلات است. اینها جز با یک حرکت جهادی و جمعی و دلسوزانه و مستمر - با الزاماتی که دارد و عرض خواهم کرد - میسر نخواهد شد.

نکته‌ی سوم، تهدیدهای اقتصادی خارجی است. خب تحریمها از قبل بود، منتها این تحریمها از حدود زمستان سال ۹۰ تا امروز، تبدیل شده به جنگ اقتصادی، دیگر اسم آن تحریم هدفمند نیست، یک جنگ تمام‌عیار اقتصادی است که متوجه ملت ما است. علت آن هم، نه مسئله‌ی هسته‌ای است، نه مسئله‌ی حقوق بشر است، نه مسائل دیگری از این قبیل است؛ علت آن را خود آنها هم میدانند، ما هم میدانیم؛ علت، استقلال‌خواهی ملت ایران است؛ علت، داشتن یک حرف نو بر پایه‌ی مبانی اسلام است که برای کشورهای دیگر و ملت‌های مسلمان الگو خواهد شد؛ میدانند که اگر جمهوری اسلامی در این عرصه‌ها و میدانها موفق شد، دیگر جلوی رشد این حرکت را در دنیا نمیشود



گرفت و این یک حرکت مهمی است؛ مسئله این است. حالا بهانه یک روز انرژی هسته‌ای است، یک روز غنی‌سازی است، یک روز حقوق بشر است، یک روز حرفه‌ایی از این قبیل است. تحریمها علیه ما، قبل از اینکه اصلاً مسئله‌ی انرژی هسته‌ای مطرح هم بشود وجود داشت، بعد از این هم وجود خواهد داشت. این مسئله‌ی هسته‌ای و این مذاکرات اگر ان شاء الله به نقطه‌ی حلی برسد، باز خواهید دید همین فشارها وجود خواهد داشت، باید در مقابل این فشارها مصونیت‌سازی کرد، باید به بنای داخلی استحکام‌بخشی کرد. اقتصاد را باید قوی کنیم تا دشمن از تأثیرگذاری از این ناحیه مأیوس بشود؛ وقتی دشمن مأیوس شد، خیال ملت و مسئولین کشور هم راحت خواهد شد.

نکته‌ی چهارم، بحرانهای اقتصادی جهانی است؛ که البته اشاره کردم قبلاً که ناشی است از اقتصاد غرب و اقتصاد آمریکا؛ در اروپا هم در حقیقت سرریز مشکلات آمریکا [بود که] مشکلات را دامن زد، اگرچه زمینه‌ی آن وجود داشت؛ در جاهای دیگر هم همین جور. ما هم که نمیخواهیم دور خودمان حصار بکشیم؛ ما نمیتوانیم و نمیخواهیم که از لحاظ اقتصادی، ارتباطات را با دنیا قطع کنیم، نه ممکن است، نه مطلوب است، بنابراین تحت تأثیر اینها قرار میگیریم، پس باید مقاوم‌سازی کنیم. این چهار دلیل و چهار انگیزه برای ضرورت اقتصاد مقاومتی بود. این هم بخش دوم عرایض ما.

بخش سوم، الزامات و انتظارات است. خوب، حالا این طرح بزرگ، این نقشه‌ی راه همه‌جانبه و وسیع، مطرح شد؛ صرف مطرح کردن سیاستها که مشکلی را حل نمیکند؛ این آغاز راه است. کارهایی باید انجام بگیرد: در درجه‌ی اول، عزم جدی مسئولان و مدیران اصلی و فعالان مردمی است؛ باید تصمیم بگیرند مسئولین کشور - در درجه‌ی اول، قوه‌ی مجریه، مسئولان دولت؛ و نیز قوه‌ی مقننه؛ و قوه‌ی قضائیه؛ و بخشهای گوناگونی که ارتباطی با مسائل اقتصادی دارند - و حتماً بایستی در این مسئله، عزم جدی و راسخ داشته باشد. بدون تصمیم جدی و راسخ، کار پیش نخواهد رفت.

دوم، ورود در میدان عمل [است] عمل در اینجا یک عمل صالح است؛ هرکسی که در این زمینه اقدام و عمل بکند، قطعاً مصداق «وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» (۱۰) خواهد بود. این طرح کلی، این نقشه‌ی راه بزرگ، باید تبدیل بشود به برنامه، برنامه‌های گوناگون؛ اگر این شد، آن وقت حماسه‌ی اقتصادی به معنای واقعی کلمه به وجود خواهد آمد. ما امسال را گفتیم سال حماسه‌ی سیاسی و حماسه‌ی اقتصادی، بحمدالله حماسه‌ی سیاسی به وجود آمد؛ حماسه‌ی اقتصادی متأسفانه تأخیر افتاد؛ لکن حالا در پایان سال، این سرآغازی برای حماسه‌ی اقتصادی خواهد بود که قطعاً باید ان شاء الله در سال ۹۳ با جدیت کامل از سوی مسئولین دنبال بشود و در عمل باید شروع بشود.

مسئله‌ی سوم، تبدیل به برنامه و سیاستهای اجرایی است که دستور این کار از سوی رؤسای سه قوه داده شده؛ هم رئیس جمهور محترم، هم رئیس محترم قوه‌ی مقننه، هم رئیس محترم قوه‌ی قضائیه دستور داده‌اند به زیرمجموعه‌ی خودشان که برنامه‌های اجرایی را در هر بخشی تهیه کنند؛ منتها من میخواهم تأکید کنم بر روی زمان‌بندی؛ باید زمان‌بندی کنید. من بخشنامه‌هایی که آقای معاون اول برای دستگاه‌ها فرستاده بودند، دیدم؛ باید زمان‌بندی بشود، مشخص بشود که چقدر کار پیش رفت و تا کی انتظار تحقق این برنامه‌سازی و بعد اجرا را باید داشت؛ باید شتاب بگیرد؛ سهم هر قوه‌ای معین بشود. در قوای مختلف - بخصوص قوه‌ی مجریه - سهم هر دستگاهی مشخص بشود؛ شاخصها - بخصوص شاخصهای زمانی - معین بشود که بتوان نظارت کرد و بتوان پیشرفت کار را و صحت مسیر را فهمید.

چهارم، هماهنگی میان بخشهای گوناگون است که البته سازوکار این هماهنگی را باید رؤسای قوا معین کنند. هماهنگی کمک خواهد کرد، هماهنگی بین مجلس و دولت، بین مجلس و دولت و قوه‌ی قضائیه. در بخشهایی بدون هماهنگی نمیشود حرکت کرد؛ در بخشهایی هم هماهنگی دارای تأثیر است ولو نه به آن اندازه؛ به هر حال هماهنگی لازم است. سازوکار هماهنگی را باید رؤسای سه قوه ان شاء الله تهیه کنند.



مسئله‌ی پنجم، نظارت در همه‌ی سطوح است؛ باید نظارت بشود؛ هم رؤسای قوا باید دستگاه‌های خودشان را تحت نظارت قرار بدهند، هم مجمع تشخیص موظف است که به مسئولیت نظارتی که داده شده به‌طور کامل عمل کند و ببیند که چه دارد اتفاق می‌افتد، رهبری و دستگاه ما هم نظارت خواهد کرد ان شاء الله. بنابراین نظارت یکی از الزامات اصلی است.

مطلب ششم، رفع موانع است. موانعی وجود دارد که اینها را میشود برداشت: موانع قانونی [وجود دارد] - که من به رؤسای محترم سه قوه در آن جلسه‌ای که داشتیم گفتم "قانون روی قانون آمدن" کار را مشکل میکند، قوانین مزاحم را باید برداشت؛ این کار را مجلس میتواند انجام بدهد؛ والا ما حالا قوانینی داریم، [اگر] باز یک قانونی روی آن قانون وضع بکنیم، قابل تفسیر و مشکل تراشی است؛ باید ملاحظه کرد، دقت کرد، قوانین مزاحم را پیدا کرد - موانع حقوقی و قضائی هم وجود دارد؛ اینها را باید شناسایی کرد و برداشت. بایستی فعالان اقتصادی، کارآفرینان، مبتکران، سرمایه‌گذاران، دانشمندان، احساس کنند که با موانع غیر معقول مواجه نیستند، بتوانند حرکت کنند. الزام هفتم و کار لازم هفتم، گفتمان سازی است؛ باید تصویر درستی از اقتصاد مقاومتی ارائه بشود؛ البته صداوسیما و رسانه‌های کشور موظفند اما مخصوص آنها نیست. دستگاه‌های تبلیغاتی مخالف با کشور، مخالف با انقلاب، مخالف با پیشرفت ملی ما، خیلی چیزها در چننه دارند و شروع هم کرده‌اند - ما دیدیم - بعد از این هم بیشتر [خواهند کرد] درباره‌ی اقتصاد مقاومتی، اشکال تراشی، مانع تراشی، گاهی هو کردن، بی‌اهمیت جلوه دادن آنچه که در کمال اهمیت و نهایت اهمیت است؛ از این کارها میکنند. نقطه‌ی مقابل آنها بایستی کار بشود؛ مسئولین، صاحبان فکر و دلسوزان، بایستی تصویر درستی را از این حرکت بزرگ و عمومی ارائه بدهند و گفتمان سازی بشود تا مردم بدانند و معتقد باشند و بخواهند؛ در این صورت، کار عملی خواهد شد.

آخرین نکته‌ای هم که در این زمینه عرض میکنم و عرایضم را تمام میکنم، پایش و اطلاع‌رسانی است. بایستی مرکز رصد قوی و بینایی وجود داشته باشد که به‌طور دقیق پیشرفت این کار را پایش کند؛ اطلاعات را گردآوری کنند، پردازش کنند، استنتاج کنند، احياناً آن حرکتی را که باید در هر مقطعی و هر مرحله‌ای انجام بگیرد مشخص کنند، برای هر بخشی شاخص سنجش معین کنند، و در نهایت اطلاع‌رسانی به مردم انجام بگیرد؛ یعنی مردم دوست دارند بدانند. این مجموعه‌ی عرایضی است که ما به شما برادران و خواهران عزیز می‌خواستیم عرض کنیم. کار بزرگی شروع شده، این کار بزرگ را ما میتوانیم ان شاء الله با همت، با توکل به خدای متعال، قدم به قدم، با شتاب متناسب و لازم پیش ببریم. و جوری هم هست که به اعتقاد من آثار و نتایج آن بلندمدت هم نیست؛ برنامه‌ها برنامه‌های بلندمدتی است، لکن نتایج آن خیلی زود به دست خواهد آمد ان شاء الله؛ یعنی شروع ثمرات این کار و احساس عمومی مردم برای شیرینی نتایج این کار ان شاء الله دیر و دور از دسترس نیست. ان شاء الله امیدواریم در همین دولت، با پیشرفتی که انجام میگیرد، با کاری که انجام میگیرد، مردم این را احساس کنند و ثمرات این حرکت عمومی و بزرگ را بچشند.

از خدای متعال می‌خواهیم که به همه‌ی ما کمک کند، همه‌ی ما را هدایت کند، ضعفهای ما را به ما نشان بدهد، ما را بینای ضعفها و نقصهای خودمان قرار بدهد، آنچه را موجب رضای او است به ما الهام کند و ما را موفق به انجام آن قرار بدهد. از همه‌ی شما برادران و خواهران هم تشکر میکنم که نشستید و گوش دادید؛ انتظار داریم که ان شاء الله این گوش دادن، مقدمه‌ی یک حرکت عمومی باشد.

و السلام علیکم ورحمة الله و برکاته



- ۳) ۷۶/۹/۱۹
- ۴) ۱۳۹۲/۱۲/۵
- ۵) نهج البلاغه، خطبه ی ۱۲۷
- ۶) دیدار مسئولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی (۱۳۸۵/۱۱/۳۰)
- ۷) بحارلانوار، ج ۶۷، ص ۳۰۹
- ۸) ۱۳۷۷/۱/۱
- ۹) ۱۳۹۱/۱/۱
- ۱۰) از جمله سوره ی عصر، بخشی از آیه ی ۳